

## اعلامیه نود و پنج ماده‌ای لوتر

بهر روز حدادی

اعلامیه یا اصول پیشنهادی لوتر در سال ۱۵۱۷، یکی از نقاط عطف مهم در تاریخ مسیحیت و نیز مغرب زمین است؛ زیرا سرآغاز تحولات مهم و برگشت‌ناپذیری در مناسبات دین و دولت از آن زمان به بعد بوده است. خود لوتر آن را «نود و پنج تز در باب آموزش» نامید و در ابتدا آن را برای عالمان الهیات و اهل فن به لاتینی نوشت و سپس به زبان آلمانی ترجمه کرد و دیر زمانی است که روز انتشار آن به عنوان آغاز جنبش اصلاحات دینی در آلمان جشن گرفته می‌شود. درباره این اعلامیه، توجه به نکات زیر اهمیت دارد:

۱. در مورد چگونگی انتشار این اعلامیه دو روایت هست. بر اساس روایت اول، مارتین لوتر این اعلامیه را در ۳۱ اکتبر سال ۱۵۱۷ در «روز همه قدیسان» در کلیسای جامع ویتنبرگ نصب کرد. انتخاب این روز نیز بدان سبب بود که مردم از اطراف و اکناف برای بزرگداشت این روز به کلیسای یادشده مراجعه می‌کردند. با این که این روایت در بسیاری از کتب نقل شده اما ظاهراً مستند درستی ندارد و بنا به آنچه در دایره‌المعارف معتبر کاتولیک نقل شده، برای اولین بار یکی از یاران لوتر به نام ملانشتون چنین روایتی را نقل کرد و بعدها نیز این روز جشن گرفته شد. افزون بر این خود لوتر در دست نوشته‌ها و خاطراتش - که بسیاری از تحولات مهم زندگی خود را بیان کرده - نه تنها اشاره‌ای به این واقعه نمی‌کند که نکته دیگری را ذکر می‌کند که نقل خواهیم کرد.

روایت دوم آن است که لوتر ملاحظات خود را نه برای عموم بلکه برای بزرگان کلیسای آلمان فرستاد و کوشید با یادآوری این موضوع به آنان، بدعت پیداشده را به گونه‌ای مسالمت‌آمیز از میان بردارد. بهترین مؤید این مطلب نقل قولی از خود لوتر از «مجموعه آثار» وی است: «آنگاه نامه‌ای همراه با مسئله‌هایم برای اسقف ماگدبورگ ارسال کردم و از او استدعا کردم که تنسل را از موعظه در مورد این مسائل احمقانه باز دارد... چنین شد که رساله من علیه نوشته‌های تنسل که اکنون چاپ شده است، منتشر شد و در عرض دو هفته تمام آلمان را فراگرفت» (فلاورز، اصلاحات، ص ۳۳). به علاوه، اصول و نکات مورد نظر خود را به زبان لاتینی نوشت و این زبان در آن زمان، زبانی علمی و خاص عده‌ای اندک از دانشوران آن عصر بود. بدیهی است که اگر مخاطب لوتر، عموم مردم بود، وی اعلامیه خود را به همان زبان آلمانی می‌نوشت؛ همچنان که بعدها آثار مهمش را به قلمی شیوا و به آلمانی منتشر کرد.

۲. به جرئت می‌توان گفت که صنعت نوپای چاپ، اولین تأثیر عمیق خود در تحولات فکری قرن شانزدهم را با انتشار گسترده آثار لوتر در اروپا آغاز کرد و اعلامیه لوتر اولین اثر لوتر بود که در تیراژی وسیع در سراسر اروپا منتشر شد.

۳. آنچه در ظاهر دلیل آمرزشنامه‌فروشی و گردآوری پول بود، ساختن کلیسای عظیم سنت پیتر در رم بود. خشم آلمان‌ها از این بود که سرمایه‌های آنان از آلمان بیرون رفته، در ایتالیا صرف ریخت و پاش‌های دربار پاپ می‌شود و البته این راز برملا نشده بود که نیمی از درآمد آمرزشنامه‌ها مصرف دیگری داشت. سراسقف ماینز جوانی بود که شرایط کافی برای اسقف شدن را نداشت ولی با قرض گرفتن از خاندان فوگر توانست این پست را با پرداخت پول به پاپ به دست آورد، ولی بعدها در بازپرداخت بدهی خود دچار مشکل شد و با تبانی پاپ قرار شد که از محل درآمد آمرزشنامه‌ها، بدهی‌اش پرداخت شود.

۴. مهم‌ترین موضوع مورد مناقشه در این اعلامیه فروش آمرزشنامه بود. آمرزشنامه چه بود و چه کارکردی داشت؟ بر اساس آنچه از نقل قول مورخان برمی‌آید، این سنت در کلیسای کاتولیک وجود داشت که هر گاه کسی مرتکب گناه می‌شد، نزد کشیش می‌رفت و به نشانه پشیمانی از گناه خود، اعتراف می‌کرد. کشیش پس از مراسم توبه، تکالیفی را بر فرد توبه‌کار مقرر می‌کرد مانند سفر به زیارتگاه‌های مسیحی مانند

فلسطین، روزه گرفتن، اعانه‌های مالی به یتیم‌خانه‌ها و کلیساها. حال جای این پرسش بود که کشیش‌ها با چه مجوز و دلیل الهیاتی اعتراف می‌گرفتند و گناه می‌بخشودند؟ آیا مجوز آنها برای این عمل شامل همه گناهان بود یا بعضی از گناهان؟ مربوط به زندگان بود یا شامل اموات و مردگان نیز می‌شد؟ در مجموع آنچه از کلمات محققان و مورخان به دست می‌آید، آن است که این سنت از قرن سیزدهم میلادی آغاز شد، ولی منحصر به بخشودن گناهان موقت نه ابدی آن‌هم از زندگان بود. این بخشودگی ممکن بود که بدون هیچگونه مجازات مادی و این جهانی باشد. پاره‌ای از مجازات‌ها صرفاً در برزخ قابل جبران بود. در نتیجه، اگر کسی موفق به توبه کامل نمی‌شد، باید در برزخ آن را جبران می‌کرد. کسانی که بدون توبه نیز درگذشته بودند به همین سرنوشت گرفتار می‌آمدند. اما به هر حال، این مجازات‌ها «نتیجه» توبه بود نه «شرط» آن. با گذشت زمان این رسم و سنت دگرگون شد و منافع مالی نیز با آن گره خورد و کار به جایی رسید که فرد با پرداخت اندک پولی و گرفتن برات از عذاب می‌توانست مرتکب هر گناهی شود و با خیال آسوده و وجدانی غیرملا متگر به خواسته‌ها و تمایلات درونی ناصواب خود جامه عمل بپوشاند. نقطه آغاز این روند جدید، جنگ‌های صلیبی بود که نیاز به سرباز و ساز و برگ جنگی داشت. در ابتدا، سربازان با ورود به عرصه جنگ با مسلمانان، کفاره گناهان خود را می‌پرداختند و دیگر نیازی به توبه نداشتند و با گذشت زمان، کسانی که سپاهیان صلیبی را حمایت مالی می‌کردند، از این موهبت معنوی برخوردار می‌شدند و معاف از اعتراف. اما این‌که چگونه کشیشان در موقعیتی قرار گرفتند که واسطه بین خالق و مخلوق شده و به افراد نامه برات از عذاب و جهنم دهند، پاسخ این بود که مسیح با رنجی که به جان خرید و مرگی که پذیرای آن شد، گنجینه‌ای بس ارجمند باقی گذاشت و پاپ به عنوان وارث و میراث‌دار این گنجینه بس ارجمند می‌توانست افراد را بیامرزد. کشیشان نیز نمایندگان او در این موضوع بودند. کم‌کم این مضمون بر سر زبان‌ها افتاد که به محض آن‌که پول در صندوق اعانات کلیسا انداخته شود، روح از عذاب برزخ نجات می‌یابد.

۵. روند آمرزش‌نامه‌فروشی چنان شکل رسوایی شکوه و به خود گرفت که شخصی چون اراسموس، اومانیست بزرگ که تا آخر عمر نیز به آیین کاتولیک وفادار ماند، سرانجام زبان به شکوه اعتراض گشود: «دربار رُم ظاهراً شرم و حیا را فراموش کرده است زیرا هیچ چیز شرم‌آورتر از این آمرزش‌نامه‌فروشی‌ها نیست» (فاسدیک، مارتین لوتر، ص ۵۶).

۶. آنچه در این اعلامیه محور نقد و اعتراض است، فروش آموزش نامه است و این در حالی است که اصل اساسی در تفکر لوتر آموزه آمرزیدگی به وسیله ایمان از طریق فیض است. لوتر در اعلامیه خود به این اصل هیچ اشاره ای نمی کند. شاید بتوان گفت که دلیل این تفاوت و اختلاف، پیدایش تطور و رشد در اندیشه لوتر در سال های بعد باشد. آنچه در الهیات کلیسا در قرون وسطی بسیار بر آن تأکید می شد، مسئله عمل و انجام شعایر بود. خود لوتر در ابتدا نیز بر همین منوال رفتار کرد و در دیر راهبان، موبه مو قوانین و قواعد رهبانی را اجرا می کرد، چنان که خودش می گوید: «من راهب شایسته ای بودم و چنان آداب و مقررات را مو به مو اجرا می کردم که اگر بنا بود تنها یک راهب به خاطر انجام آداب و مقررات رهبانی به بهشت برود، آن راهب، من بودم. همه دوستان من در دیر این مطلب را تأیید می کنند. ... با این حال، وجدانم، مرا آرام نمی گذاشت و همیشه در تردید بودم و با خود چنین می گفتم: تو کارت را به خوبی انجام ندادی و چنان که باید، تائب و پشیمان از گناه نبودی. تو بدون اعتراف آن را ترک کردی. هر چه کوشیدم که وجدان ناآرام، ناتوان و بلازده ام را با استفاده از سنت های بشری درمان کنم، نتوانستم و آن را بیش از پیش ناآرام، ناتوان و بلازده یافتم» (مک گراث، مقدمه ای بر تفکر نهضت اصلاح دینی، ص ۲۲۹)، اما بعدها به این نتیجه رسید که راه رستگاری و نجات از مسیر انجام شعایر نمی گذرد. اولین جرعه این اندیشه زمانی به ذهنش خطور کرد که رساله اول رومیان را تدریس می کرد و به آیه هفدهم رسید. لوتر خود این تحول روحی را شرح داده است: «من قطعاً در پی آن بودم که پولس را با نامه او به رومیان بشناسم، اما هیچ چیز به اندازه این عبارت در فصل اول رساله به رومیان نتوانست مرا از این کار منصرف سازد: «در آن عدالت خدا مکشوف می شود» (رومیان، ۱: ۱۷)، زیرا من از عبارت «عدالت خدا» متنفرم؛ عبارتی که آن چنان که به من آموخته بودند، به معنای عدالتی بود که خداوند بر اساس آن عادل است و گناهکاران غیرعادل را مجازات می کند. هر چند که زندگی من در لباس رهبانی، عاری از هر گونه سرزنش و ملامت بود، با این حال، خود را در محضر خدا، فردی گناهکار با وجدانی ناآسوده می دانستم و نمی توانستم معتقد باشم که او را با کارهای خود راضی کرده ام؛ زیرا واقعیت این است که من بیش از آن که خدای عادل را دوست داشته باشم، از او نفرت داشتم. ... در فهم منظور پولس از این عبارت، مایوس و سرخورده شده بودم. سرانجام، پس از آن که روز و شب به غور و تأمل درباره

ربط کلمات «در آن عدالت خدا مکشوف می‌شود از ایمان تا ایمان، چنان‌که مکتوب است که عادل به ایمان زیست خواهد نمود» پرداختم، کم‌کم به درک این مطلب نایل شدم که «عدالت خداوند» همان چیزی است که عادل به وسیله آن و با هدیه خداوند (ایمان) خواهد زیست و جمله «عدالت خدا مکشوف می‌شود»، اشاره به عدالتی انفعالی دارد که بر اساس آن، خداوند مهربان ما را به وسیله ایمان می‌آمرد؛ چنان‌که مکتوب است که «عادل به ایمان زیست خواهد کرد». این موضوع، بی‌درنگ به من چنان احساسی داد که گویی بار دیگر به دنیا آمده‌ام یا گویی درهای بهشت به رویم گشوده شده و من وارد آن شده‌ام. از آن پس، چهره کامل کتاب مقدس را در پرتو نور تازه‌ای مشاهده کردم. .. و هم اکنون عبارت «عدالت خداوند» را که روزی از آن نفرت داشتم، شیرین‌ترین عبارت می‌دانم و بدان عشق می‌ورزم و آن را ارج می‌نهم؛ زیرا این عبارت پولس، راه ورود من به بهشت بود» (همان، ص ۲۳۲). رفته‌رفته دین درونی و توبه قلبی نزد او اهمیت بسیار یافت تا جایی که از شعایر هفتگانه فقط دو مورد (تعمید و آیین عشای ربانی) را قابل قبول دانست و مابقی را انکار کرد و سرانجام اذعان کرد که نیل به رستگاری و عادل‌شمردگی نزد خداوند تنها با ایمان و بهره‌گیری از فیض او میسر است.

۷. لوتر هیچ‌گاه تصور نمی‌کرد که مناقشه او سرانجام کلیسای غرب را دچار انشقاق خواهد کرد. او تصور می‌کرد که بدعتی در آیین مسیح رخ داده و او با کمک گرفتن از کتاب مقدس می‌تواند آن را از میان بردارد و البته پاپ نیز از او حمایت خواهد کرد؛ اما بعدها دریافت که خیال باطلی در ذهن می‌پرورانده است. بدین سبب، وی در ابتدا حریم و حرمت پاپ را پاس داشت و تنها به انتقاداتی ملایم و غیرمستقیم از پاپ قناعت کرد، اما با گذشت زمان دریافت که آب از سرچشمه گل آلود است و از این رو پاپ را در نوک پیکان حملات و انتقاداتش قرار داد و سرانجام پس از گذشت دو سه سال، او را دجال و ضد مسیح نامید.

۸. از آنچه بیان شد، درمی‌یابیم که انگیزه لوتر از نوشتن و انتشار این اعلامیه نه ستیزه‌جویی و رویارویی مستقیم با پاپ و نه راه‌انداختن جنگی تمام‌عیار علیه او و سلسله مراتب کلیسایی بود. هر چند لوتر سرانجام به این وادی کشانده شد، اما نه خواهانش بود و نه از آن رضایت داشت او دریافت کرده بود که کلیسا با درد و بیماری مزمی دست و پنجه نرم می‌کند. او حتی به شهادت فقراتی از همین اعلامیه، به حمایت پاپ امیدوار بود،

زیرا اساس انتقادات و پیشنهادهایش بازگشت به کتاب مقدس بود. به بیان دیگر، لوتر در این مرحله نه آغازگر مبارزه‌ای سیاسی و اجتماعی بلکه مبارزه‌ای علمی بود و مخاطبانش نه عامه مردم بلکه اساتید الهیات در دانشگاه‌ها بودند. باز هم باید تأکید کرد که او در اساس راهبی کاتولیک و مؤمن و معتقد بود که به معتقداتش سخت پایبند بود.

۹. لوتر در این اعلامیه مطالبی را بیان کرد که طی دو‌ست سال پیش از آن، مصلحانی مانند جان هوس در جهان مسیحیت بر سر آن به رویارویی با کلیسای کاتولیک پرداخته و البته تاوان سختی نیز برای آن داده بودند که از دست دادن جان یکی از آنها بود. با این حال، آنان نتوانستند جریانی نیرومند و جنبشی سازمان‌یافته را رهبری کنند و لذا موج اول اصلاحات دینی در غرب به راحتی سرکوب شد اما همین موج، زمینه را برای موج بسیار نیرومندی در آینده هموار کرد که به هیچ وجه قابل مهار شدن نبود. آنچه باعث شد که این موضوع در قرن شانزدهم طوفانی برپا کند، آن بود که تحولات پیچیده اجتماعی سخت از چنین معارضه‌ای حمایت می‌کرد. همین موضوع که این بحث علمی، بر خلاف خواست لوتر و به شکلی فوری و فراگیر، به میان توده مردم کشیده شد، می‌تواند شاهدهی بر این موضوع باشد. ظهور تمایلات ملی‌گرایانه و ناسیونالیستی در سراسر اروپا و احساس انزجار از فرمانبری از فرمانروایی خارجی در ایتالیا موجب شده بود که هم مردم و هم شاهزادگان و قدرت‌های محلی مستمسکی برای طغیان پیدا کنند و سخن حق لوتر جرقه‌ای بود که این آتش را شعله‌ور کرد. به همین دلیل نیز بود که لوتر اصلاح طلب نه تنها تحت فشار قدرت‌های محلی قرار نگرفت، که تنها تکیه‌گاه او در برابر قدرت پاپ و امپراتوری همانها بودند و این خود یکی از وجوه تمایز و افتراق میان موج اول و دوم اصلاحات دینی در غرب است.

۱۰. در هنگامه‌ای که لوتر علم مخالفت برافراشت، اومانیست‌هایی مانند اراسموس نیز فعال بودند و لوتر نیز از دستاوردهای فکری و علمی آنان بهره بسیار برد. از سوی دیگر، مخالفت‌های لوتر با پاپ و سلسله مراتب کلیسایی این تصور نادرست را برای آنان پدید آورد که لوتر نیز به مبانی فکری و اعتقادی آنان پایبند است. البته این خطای در تصور به سود هر دو طرف بود اما چندان نپایید و این به هنگامی بود که لوتر و اراسموس بر سر موضوعاتی مانند اراده و اختیار انسان دچار اختلاف شدند و در ردّ یکدیگر کتاب نوشتند.

۱۱. مطالب لوتر در این اعلامیه موجب اعتراض شدید مقامات کلیسای کاتولیک در آلمان شد، به گونه‌ای که سراسقف ماینز متن اعلامیه را به همراه شکوایه‌ای علیه لوتر به رم فرستاد و از آنان استمداد کرد. البته مقامات کلیسای کاتولیک در رم از این که لوتر به خود اجازه داده که به مقام و موقعیت آنان متعرض شود، سخت خشمگین بودند، اما به دلیل پاره‌ای از ملاحظات سیاسی از برخورد خشن و تند با لوتر احتراز کردند و کوشیدند تا مناقشه را به نحو نسبتاً مسالمت آمیزی خاتمه دهند. البته اصرار کلیسای کاتولیک بر مواضع خود و سرسختی متقابل لوتر، راه را برای هر گونه مصالحه‌ای بست و پس از دو سال مقام پاپی ناگزیر شد که مخالفت خود را با ۴۱ مورد از اصول مورد نظر لوتر اعلام کند. نقطه اوج این تحول در ارتباط با پاپ، تکفیر لوتر و طردش از کلیسا ضمن صدور دستوری پاپی، و نیز آتش زدن این توطئه به شکل علنی توسط لوتر بود.

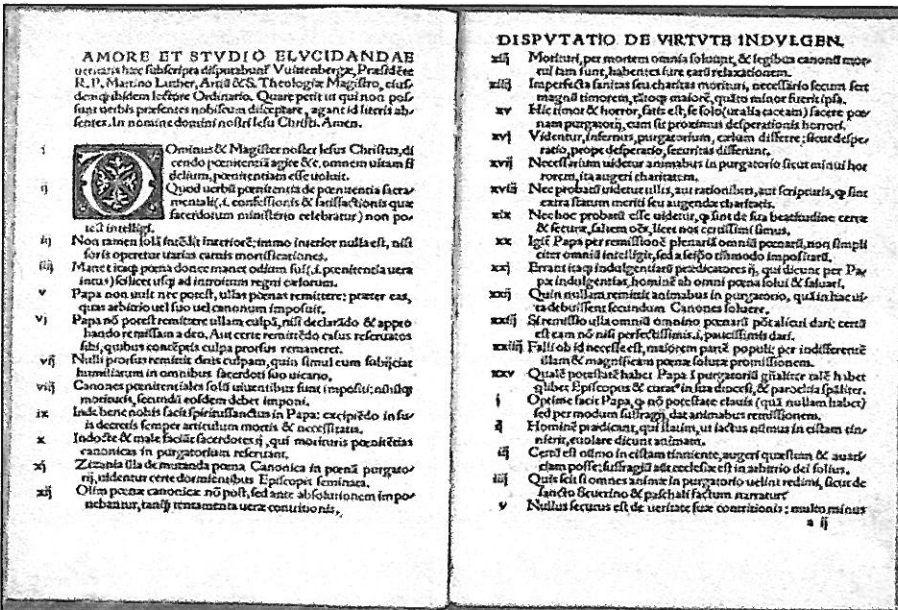
۱۲. به طور کلی، لوتر در این اعلامیه تعالیم کلیسای کاتولیک در باب توبه و مفید بودن آموزش‌نامه‌ها را زیر سؤال برد و تا حدودی متعرض مقام پاپی و شأن اختصاصی او شد. وی در آغاز نوشته خود، سخنش را با دستوری از عیسی مسیح آغاز کرد که مردم را به توبه دعوت کرد و مراد او را نه رسم و آیین رایج بلکه توبه درونی و قلبی دانست و اقتدار پاپی را صرفاً در بخشودن مجازات‌هایی دانست که خودش وضع کرده و صریحاً اعلام کرد که نجات روح در برزخ با انداختن پول در صندوق اعانات فاقد مبنایی در کتاب مقدس است و البته تنها تأثیرش، افزون شدن آرز و طمع فروشندگان آموزش‌نامه و ستانندگان پول است. لوتر در این اعلامیه چنین نبود که به طور کلی مقام پاپ و شأن کشیش را منکر شود. بلکه آن را مهم شمرد و در عین حال اعلام کرد که کسی که بی اعتنا به بینوایان می‌گذرد و آموزش‌نامه می‌خرد، تنها به غضب الهی گرفتار است و کسی که به مستمندان کمک می‌کند یا قرض می‌دهد کارش بهتر از آن است که آموزش‌نامه می‌خرد. وی به بیانی طعنه آمیز گفت، اگر پاپ اخاذی و باجگیری واعظان آموزش‌نامه‌ها را می‌دانست، ترجیح می‌داد که کلیسای سنت پیتر به کلی به خاک تبدیل شود تا این که با گوشت و خون مردمانی بینوا آباد شود و شاید نیز ترجیح می‌داد که کلیسای یادشده را فروخته و هزینه مردمی این چنین کند یا از درآمد خودش به عنوان ثروتمندترین فرد در جهان، شخصاً به این کار اقدام کند.

۱۳. ماکیاولی در سال ۱۵۱۳، چهار سال پیش از انتشار اعلامیه لوتر، چنین گفت: «هر

کس اصول اساسی آن مذهب (مسیحیت) را واریسی کند و ببیند که تا چه اندازه عملکرد و کاربرد فعلی آن با آن اصول متفاوت است، خواهد گفت که ویرانی یا کیفر سرسخت آن مذهب قریب الوقوع است» (بومر، جریان‌های بزرگ در تاریخ اندیشه غربی، ص ۲۱۹).

۱۴. امروزه بسیاری از مطالب مذکور در این اعلامیه، مسائلی جزئی و پیش‌یافتاده به نظر می‌رسد ولی واقعیت این است که طرح این مسائل در آن عصر و رویارویی با پاپ و تشکیک در مسائلی که پذیرفتگی الهیاتی دیرینه‌ای یافته بود، کاری بود بس دشوار و نیازمند به کسانی بود که با تهور و بی‌باکی به استقبال مخاطرات روند و به همین سبب بود که همین مطالب خشم کاتولیک‌ها را برانگیخت و آنان را به رویارویی درازمدت با لوتر و هوادارانش واداشت.

۱۵. آنچه در پی می‌آید، برگردانی است از ترجمه انگلیسی این اعلامیه در کتاب *Martin Luther, Selection from His Writings*. ترجمه دیگری از این متن به زبان انگلیسی را در نشانی ذیل می‌توان یافت: <http://en.wikisource.org/wiki/95These>





نظر به عشق و دلبستگی به راستی و با هدف برگرفتن آن، نکات زیر در ویتنبرگ به ریاست پدر گرامی، مارتین لوتر، از فرقه آگوستین، و استاد علوم انسانی و الهیات مقدس و استاد رسمی در این موضوعات در این مکان در معرض بحث عمومی گذاشته می‌شود. بنا به تقاضای وی، هر کس که نمی‌تواند به طور حضوری در بحث حاضر شود، می‌تواند به صورت مکتوب چنین کند.

۱. هنگامی که خداوند و استاد ما، عیسی مسیح، دستور داد که «توبه کنید» در پی آن بود که سراسر زندگی مؤمنان مالمال از توبه شود.

۲. برداشت شایسته از این سخن این نیست که منظور وی اشاره به آیین توبه باشد، به معنای اعتراف و رضایتمندی آن‌گونه که کشیش آن را برگزار می‌کند.

۳. با این حال، معنای آن به توبه قلبی نیز محدود نیست، زیرا چنان توبه‌هایی پوچ و بی‌حاصل است، مگر آن‌که نشانه‌هایی بیرونی از ریاضت‌های مختلف جسم را به همراه داشته باشد.

۴. تا زمانی که بیزاری از خود ادامه دارد، (به معنای توبه حقیقی درونی) مجازات‌گناه نیز ادامه دارد، به دیگر سخن تا زمانی که به ملکوت آسمان‌ها وارد شویم.

۵. پاپ نه قدرت و نه اراده آن را دارد که مجازاتی را عفو کند، مگر مجازات‌هایی که خودش با صواب دید خود یا بر حسب قانون کلیسایی وضع کرده است.

۶. خود پاپ نمی‌تواند از گناه بگذرد. او تنها می‌تواند اعلام و تایید کند که خدا آنها را بخشوده است یا حداکثر این‌که گناهی را ببخشد که با صواب دید خودش وضع کرده است. به جز این موارد، گناه دست‌نخورده باقی می‌ماند.

۷. در عین حال، خدا گناه هیچ کس را بدون تسلیم فروتنانه نزد کشیش، که نماینده اوست، نمی‌بخشاید.

۸. قوانین مربوط به توبه تنها در مورد کسانی صدق می‌کند که هنوز زنده‌اند و مطابق خود قوانین، هیچ‌یک از آنها در مورد مردگان صدق نمی‌کند.

۹. به همین سان، روح القدس با عمل کردن در شخص پاپ، فیض را برای ما ظاهر می‌کند؛ با در نظر گرفتن این حقیقت که مقررات پاپی هیچ‌گاه نمی‌تواند در مورد مرگ یا در موارد دشوار انطباق یابد.

۱۰. این اقدامی خطا و از سر جهالت است که کشیشان مجازات‌های قانونی را به مردگان در برزخ نیز تعمیم می‌دهند.

۱۱. هنگامی که مجازات‌های قانونی، تغییر یافته و قابل انطباق بر برزخ باشد، مطمئناً به نظر می‌رسد که بذر (گیاه ماشک) به هنگام خواب کتیشان کاشته شده است.
۱۲. مجازات‌های قانونی در مورد روزهای گذشته تعیین می‌شود نه در مورد روزهای آینده.
۱۳. مرگ بر همه مدعیات کلیسا نقطه پایانی می‌نهد. حتی اگر افراد در شرف مرگ باشند، برحسب قانون کلیسا مرده به شمار می‌آیند.
۱۴. نقصان در پارسایی یا عشق، در شخص در حال مرگ لزوماً با ترسی عظیم توأم است و ترس بیشتر در جایی است که پارسایی یا عشق در کمترین حد خود است.
۱۵. چنین بیم و هراسی به خودی خود برای پدید آوردن درد برزخ کافی است، صرف نظر از هر چیز دیگری که گفته شده باشد؛ زیرا بسیار زود به وحشت نومیدی نزدیک می‌شود.
۱۶. به نظر می‌رسد که اینها وجوه تفاوت مشابهی برای فرق نهادن میان دوزخ، برزخ، و بهشت و نیز میان نومیدی، نامطمئنی و اعتماد باشد.
۱۷. در واقع، باید از آلام ارواح در برزخ کاست و به همین میزان به خیر و ثواب افزود.
۱۸. افزون بر این، بنا به هیچ‌یک از مبانی عقل یا کتاب مقدس نمی‌توان اثبات کرد که این ارواح از جایگاه شایستگی (برای نجات) بیرون یا از رشد در فیض ناتوانند.
۱۹. به نظر نمی‌رسد که بتوان اثبات کرد که همیشه آنها از رستگاری مطمئن و دلگرمند، حتی اگر خود ما بسیار بدان مطمئن باشیم.
۲۰. از این‌رو، پاپ هنگامی که از بخشودن تمامی گناهان سخن به میان می‌آورد، منظورش «همه» به معنای واقعی کلمه نیست، بلکه تنها چیزهایی است که خودش وضع کرده است.
۲۱. از این‌رو، تمامی کسانی که به هنگام موعظه در بارهٔ آمرزش‌نامه‌ها می‌گویند که آدمی می‌تواند به وسیلهٔ آمرزش‌نامه‌های پاپ از هر مجازاتی تبرئه شده و نجات یابد، در خطا هستند.
۲۲. در واقع، او نمی‌تواند از روح‌های در برزخ مجازات‌هایی را ببخشد که بنا به قانون کلیسا در زندگی کنونی باید بدان مبتلا باشند.
۲۳. اگر بخشودگی کامل را بتوان به کسی اعطا کرد، این در مورد کامل‌ترین افراد صدق خواهد کرد، یعنی عده‌ای بسیار اندک.

۲۴. در نتیجه، باید چنین باشد که بخش عمده‌ای از مردم فریفته و عده بی حساب و کتاب و پر سر و صدای رهایی از مجازات شده‌اند.
۲۵. همین قدرتی که پاپ به طور کلی در مورد برزخ اعمال می‌کند، هر یک از اسقفان در قلمروی اسقفی و کشیشان در قلمروی کشیشی می‌توانند اعمال کنند.
۲۶. پاپ هنگامی که ارواح برزخی را با شفاعتی که از آنان به عمل می‌آورد، نه به وسیله قدرت کلیدها (که نمی‌تواند بر آنان اعمال کند) می‌بخشاید، کار شایسته‌ای انجام می‌دهد.
۲۷. برای این موعظه که به محض این‌که صدای پول در صندوق به صدا درمی‌آید، روح از برزخ پرواز می‌کند، هیچ مبنای الوهی وجود ندارد.
۲۸. بدون شک امکان دارد که هنگامی که صدای پول در صندوق به صدا در می‌آید، حرص و آز افزایش یابد، اما هنگامی که کلیسا شفاعت می‌کند، همه چیز به اراده خدا بستگی دارد.
۲۹. با در نظر گرفتن آنچه در باره قدیس سورینوس Severinus و قدیس پاسکال گفته شده، چه کسی اطلاع دارد که همه ارواح در برزخ خواهان رهایی‌اند؟
۳۰. هیچ‌کس از واقعیت ندامت خود مطمئن نیست چه رسد به این‌که از دریافت آمرزش تمام و کمال آسوده‌خاطر باشد.
۳۱. کسی که آمرزش‌نامه‌ها را با حسن نیت (bona fide) می‌خرد، به همان اندازه اندک است که کسانی که واقعاً پشیمان و توبه‌کارند؛ به عبارت دیگر بسیار اندک‌اند.
۳۲. همه کسانی که گمان می‌کنند که از نجات خود به وسیله نامه‌های آمرزش‌نامه آسوده‌خاطرند، برای همیشه مطرودند و به سرنوشت معلمان خود گرفتار خواهند آمد.
۳۳. ما باید احتیاط بیشتری در برابر کسانی داشته باشیم که معتقدند که آمرزش‌نامه‌های پاپی هدیه‌ای آسمانی و بسیار ارزشمند است.
۳۴. زیرا فیض انتقال‌یافته به وسیله این آمرزش‌نامه‌ها صرفاً با مجازات‌های «توبه» آیینی ارتباط دارد که به وسیله آدمی وضع شده است.
۳۵. این با تعالیم مسیحی سازگار نیست که موعظه و تعلیم داده شود که کسانی که ارواح را در ازای پول نجات می‌دهند، یا مجوزهای اعترافی را خریداری می‌کنند، دیگر نیازی به توبه از گناهان خود ندارند.

۳۶. هر فرد مسیحی که به راستی توبه کند، از موهبت بخشودگی کامل از مجازات و گناه برخوردار خواهد شد و این را به او بدون داشتن آموزش نامه می دهند.
۳۷. هر فرد مسیحی، زنده یا مرده، در همه مزایای مسیح و کلیسا شرکت می کند، و این مشارکت را خداوند به او بدون آموزش نامه ها عطا می کند.
۳۸. با این حال، نباید بخشودگی و آموزش پاپ را دست کم گرفت، زیرا همان گونه که قبلاً گفته شد، آنان آموزش الهی را اعلام می کنند.
۳۹. حتی برای فرهیخته ترین الهیدانان بسیار دشوار است که با مردم در باره مزایای فراوان آموزش نامه ها سخن به میان آورند، و در عین حال، در زمانی بعد از فضیلت توبه بگویند.
۴۰. گناهکاری که به راستی پشیمان شده، جویای مجازات های گناهان خود است و عاشقانه تاوان می دهد، در حالی که کثرت آموزش نامه ها وجدان افراد را تضعیف می کند و چنان می سازد که از آموزش نامه ها نفرت داشته باشند.
۴۱. آموزش نامه های پاپی تنها باید با احتیاط تعلیم داده شود تا مبادا مردم برداشتی نادرست به دست آورند و گمان کنند که آنها بر سایر کارهای خود ترجیح دارند که از جمله آنها عشق است.
۴۲. به مسیحیان باید یاد داد که پاپ اصلاً منظورش این نیست که خرید آموزش نامه قابل مقایسه با کارهای برآمده از رحمت است.
۴۳. به مسیحیان باید آموخت که کسی که به بینوایان کمک می کند یا به افراد نیازمند قرض می دهد، کارش بهتر از کار کسانی است که مبادرت به خرید آموزش نامه ها می کنند.
۴۴. این بدان سبب است که عشق با کارهایی که از سر عشق صورت گرفته رشد می کند و آدمی فرد بهتری می شود، در حالی که با آموزش نامه ها نه تنها فرد بهتری نمی شود بلکه از مجازات های خاصی می گریزد.
۴۵. به مسیحیان باید آموخت که آن کس که نیازمندی را می بیند اما (با بی اعتنائی) از او می گذرد، او برای آموزش نامه پول می دهد اما از بخشودگی پاپ سودی نمی برد بلکه تنها خداوند را به غضب می آورد.
۴۶. به مسیحیان باید آموخت که آنها موظفند که در حد ضروریات زندگی پیش خود

نگهدارند و نباید به هیچ وجه آن را برای گرفتن آموزش‌نامه به باد دهند مگر آن‌که بیش از حد نیاز داشته باشند.

۴۷. به مسیحیان باید آموخت که آنها آموزش‌نامه‌ها را داوطلبانه می‌خرند و هیچ الزامی به انجام این کار ندارند.

۴۸. به مسیحیان باید آموخت که در اعطای آموزش‌نامه‌ها، پاپ نیازی بیشتر و اشتیاقی افزون‌تر به دعای آنان برای خودش دارد تا پول‌های گردآوری شده.

۴۹. به مسیحیان باید آموخت که آموزش‌نامه تنها زمانی مفید است که آدمی به آن تکیه نکرده باشد. از این بالاتر این‌که اگر پروای از خدای را به خاطر آنها از دست دهد بسیار زیان‌بارتر است.

۵۰. به مسیحیان باید آموخت که اگر پاپ اخاذی‌ها و باجگیری‌های واعظان آموزش‌نامه‌ها را می‌دانست، ترجیح می‌داد که کلیسای سنت پیتر به تلی از خاک تبدیل می‌شد تا این‌که با پوست، گوشت و استخوان رمه‌هایش برپا شود.

۵۱. به مسیحیان باید آموخت که پاپ شاید مایل باشد که، چنان‌که در وقت ضرورت باید این‌گونه باشد، کلیسای سنت پیتر را بفروشد و آن را به علاوه پول‌های خودش به بسیاری از آن‌کسان بدهد که تاجرانِ مغفرت به اصرار از آنان پول ستانند.

۵۲. تکیه کردن بر آموزش‌نامه‌ها برای دست‌یافتن به نجات کار بیهوده و عبثی است، حتی اگر مباشران یا در واقع خود پاپ برای تضمین اعتبار آنها، روح خودش را گرو نهد.

۵۳. کسانی دشمن مسیح و پاپ‌اند که اجازه نمی‌دهند که کلام خدا در بعضی از کلیساها موعظه شود و هدف آنها این است که آموزش‌نامه‌ها در کلیساهای دیگر فروخته شود.

۵۴. کلام خدا آسیب خواهد دید، اگر در یک موعظه زمانی مساوی یا بیشتر به آموزش‌نامه‌ها اختصاص یابد تا به کلام خدا.

۵۵. پاپ نمی‌تواند این نظر را نادیده بگیرد که اگر آموزش‌نامه‌ها (که موضوع کوچکی است) با یک زنگ جشن گرفته شود، یک نمایش یا یک مراسم، بشارت (موضوعی بسیار بزرگ‌تر) به همراه صد زنگ، صد مشایعت و صد مراسم موعظه شود.

۵۶. خزان کلیسا که پاپ آموزش‌نامه‌ها را از آن توزیع می‌کند، در میان قوم مسیح به اندازه کافی سخن از آن به میان نیامده یا شناخته شده نیست.

۵۷. این که این خزائن موقتی و گذرا نیست، از این واقعیت روشن می شود که بسیاری از سوداگران آن را به رایگان نمی فروشند، بلکه تنها آن را گردآوری می کنند.
۵۸. آنان نه شایسته مسیح اند و نه قدیسان، زیرا افزون بر پاپ، این شایستگی ها همیشه فیض را به درون انسان انتقال می دهد، و صلیب، مرگ و دوزخ را در بیرون انسان به یاد می آورد.
۵۹. قدیس لارنس St. Laurence گفت که تهیدستان ذخیره های کلیسا هستند، ولی وی این اصطلاح را در سنت عصر خود به کار برد.
۶۰. ما به گونه ای نستجیده نمی گوئیم که ذخیره های کلیسا، کلیدهای کلیسایند و به وسیله شایستگی مسیح اعطا شده اند.
۶۱. زیرا روشن است که قدرت پاپ به خودی خود برای بخشودگی از مجازات و موارد ذخیره شده (به تعویق افتاده) کافی است.
۶۲. ذخیره حقیقی کلیسا «انجیل مقدس» شکوه و فیض خداوند است.
۶۳. به راستی می توان این ذخیره را نفرت انگیزترین چیز دانست، زیرا می تواند اولی را آخری بسازد.
۶۴. از سوی دیگر، ذخیره آموزش نامه از همه چیز پذیرفتنی تر است، زیرا می تواند آخری را اولی سازد.
۶۵. از این رو، ذخیره های بشارت تورهایی هستند که در روزگاران گذشته آدم های پولدار را به دام می انداخت.
۶۶. ذخیره های آموزش نامه ها تورهایی امروزی هستند که برای به دام انداختن آدم های پولدار به کار می روند.
۶۷. آموزش نامه ها که سوداگران آنها را به عنوان بزرگ ترین لطف ها می ستایند، در واقع ابزارهای لطفی برای پول جمع کردند.
۶۸. با این حال، آنها را نباید با فیض خدا و ترحم نشان داده شده در صلیب مقایسه کرد.
۶۹. اسقف ها و کشیشان موظفند که اختیارات آموزش نامه های پاپی را با احترام فراوان دریافت کنند.
۷۰. با این حال، آنان مسئولیت بسیار بیشتری دارند که دقیق تر بنگرند و به دقت

وارد شوند، تا مبادا این مردان خیالات خود را به جای آنچه که پاپ مأمور بدان است، موعظه کنند.

۷۱. بگذار آن که منکر خاصیت رسولی آموزش‌نامه‌هاست مطرود و ملعون بماند.
۷۲. از سوی دیگر، بگذار آن‌که خود را در برابر هرزگی و افسارگسیختگی کلمات سوداگران آموزش‌نامه حفظ کرده، مشمول رحمت باشد.
۷۳. به همین سان، پاپ به درستی آنان را که به گونه‌ای بر ضد تجارت آموزش‌نامه می‌کوشند، طرد کند.
۷۴. این بیشتر با دیدگاه‌های او موافق است که کسانی را طرد کند که از ملعبه آموزش‌نامه‌ها برای توطئه کردن بر علیه عشق و راستی مقدس سوءاستفاده می‌کنند.
۷۵. این تصویری احمقانه است که آموزش‌نامه‌های پاپی از چنان قدرتی برخوردارند که می‌توانند آدمی را بیمارزند، حتی اگر مرتکب کار محالی شده و به مادر خدا تعدی کرده باشد.
۷۶. ماسخنی به عکس می‌گوییم و اظهار می‌کنیم که آموزش‌پاپ نمی‌تواند کوچک‌ترین و ناچیزترین گناه را بیخشد، تا حدی که احساس گناه آنان مورد توجه است.
۷۷. هنگامی که گفته می‌شود که حتی اگر در این زمان سنت پیتر نیز پاپ بود، نمی‌توانست فیض بیشتری اعطا کند، این بی‌احترامی به سنت پیتر و پاپ است.
۷۸. ما به عکس اظهار می‌داریم که او و هر پاپ دیگر از فیض‌های بیشتری برخوردار است، به عبارت دیگر، بشارت، قدرت‌های معنوی، موهبت‌های شفا و غیره آنگونه که در قرنتیان ۱۲: ۲۸ اعلام شده است.
۷۹. این سخن کفر است که نماد صلیب با بازوان پاپ با صلیبی که مسیح بر بالای آن جان داد ارزش یکسانی دارند.
۸۰. اسقف‌ها، کشیشان و الیهیدانان که اجازه می‌دهند که وعده‌هایی از این دست به مردم داده شود بدون هیچ مانع و رادعی باید پاسخگوی آن باشند.
۸۱. این موعظه بی‌حساب و کتاب درباره آموزش‌نامه‌ها، افراد فرهیخته‌را در احترام به پاپ در برابر اتهامات نادرست یا دست کم از انتقادات سخت عوام دچار مشکل می‌کند.
۸۲. برای نمونه، آنان می‌پرسند چرا پاپ به سبب عشق (به مقدس‌ترین چیز) و به سبب نیاز عالی روح‌های آنان، همه را از برزخ نجات نمی‌دهد؟ شاید به لحاظ اخلاقی

این بهترین دلایل باشد. در عین حال، او روح‌های بیشماری را برای پول که فاسدشدنی‌ترین چیز است، بازخرید می‌کند تا بدین وسیله کلیسای سنت پیتر را بسازد که هدفی بسیار خرد است.

۸۳. مجدداً، چرا مراسم دفن و سالگرد برای مردگان همچنان از آن سخن به میان می‌آید؟ چرا پاپ اعانه‌های خاص این اهداف را از نو پرداخت نمی‌کند یا اجازه نمی‌دهد که از نو پرداخت شود زیرا خطاست که برای آن ارواحی دعا شود که هم اکنون رهایی یافته‌اند.

۸۴. باز می‌گوییم، این نوع تازه‌ای از ترحم و دلسوزی از سوی خدا و پاپ است که فردی بی‌تقوا که دشمن خداست، اجازه می‌یابد که برای رهایی روح فردی پرهیزکار که دوست خداست پول بپردازد، و این در حالی است که روح آن فرد پرهیزکار و عشق‌ورزیده شده به سبب عشق و تنها بدان دلیل که نیاز به رهایی دارد، اجازه نمی‌یابد که بدون پرداخت پول رهایی یابد.

۸۵. باز می‌گوییم، چرا قوانین شرعی در باب ندامت، اگر نگوئیم عملاً، به مدتی طولانی مهجور و مرده باقی مانده است؟ چرا آنها امروزه برای تحمیل جریمه‌هایی مالی در قالب صدور آموزش‌نامه مورد استفاده قرار گرفته‌اند، گویی همه قانون‌های مربوط به توبه به طور کامل معتبرند.

۸۶. باز می‌گوییم، از آنجا که در آمد کنونی پاپ از ثروت ثروتمندترین افراد بیشتر است، چرا او نباید این کلیسای سنت پیتر را به جای پول مؤمنان مستمند، با پول خود بسازد؟

۸۷. باز می‌گوییم، پاپ چه چیزی را از مردمان بخشوده و معاف می‌کند، همان کسانی که با توبه کامل خود حق دارند که به طور کامل بخشوده و برخوردار از آموزش تام شوند؟

۸۸. باز می‌گوییم، اگر بنا باشد که پاپ این بخشودگی‌ها و معافیت‌ها را اعطا کند، به اطمینان کارهای خوب بزرگتری می‌توان برای کلیسا انجام داد، آن هم نه یکبار مانند اکنون بلکه صدها بار در طول روز برای بهره بردن فرد مؤمن هر آنچه که باشد.

۸۹. آنچه را که پاپ در آموزش‌نامه به دنبال آن است پول نیست، بلکه نجات ارواح است. حال چرا او نامه‌ها و آموزش‌نامه‌هایی را که پیش‌تر تصدیق کرده معلق نمی‌کند.

۹۰. این پرسش‌ها موضوعاتی بسیار مهم در وجدان عامه است. سرکوب آنان به وسیله



صرف زور و نه رد آنها به وسیلهٔ براهین و استدلال‌ها موجب می‌شود که کلیسا و پاپ مورد تمسخر دشمنانشان قرار گرفته و مسیحیان را ناخرسند سازد.

۹۱. از این رو، اگر آموزش‌نامه‌ها بر طبق روح و ذهن پاپ موعظه شود، همهٔ این مشکلات به سادگی حل خواهد شد و در واقع، دیگر وجود نخواهد داشت.

۹۲. سپس دوری کنید از آن پیامبرانی که به قوم مسیحی می‌گویند که «صلح، صلح» در جایی که صلحی در کار نیست.

۹۳. آفرین و آفرین بر آن پیامبرانی که به قوم مسیحی می‌گویند که «صلیب صلیب» در جایی که صلیبی در کار نیست.

۹۴. مسیحیان باید تشویق شوند که مشتاقانه از مسیح، سر خود، به وسیلهٔ مجازات، مرگ‌ها و دوزخ‌ها پیروی کنند.

۹۵. از این رو، بگذار که آنان اطمینان بیشتری داشته باشند که به وسیله محنت‌های بسیار نه از طریق وعده نادرست صلح به آسمان وارد شوند.

## منابع:

*New Catholic Encyclopedia*, Catholic University of America, 2003.

Hans goachim Hilberand (ed.) *Encyclopedia of protestantism*, Routledge, 2004.

Bainton, Roland H., *The Age of The Reformation*, Canada, D. Van Nostranel Company, 1956.

John Dillenger, (ed.) *Martin Luther, Selections from His writings*, New York, Archer Book, 1962.

بومر، فرانکلین لوفان، جریان‌های بزرگ در تاریخ اندیشه، ترجمه حسین بشیریه. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۰.

فاسدیک، هنری امرسن، مارتین لوتر، ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.

فلاورز، سارا، اصلاحات، ترجمه رضا یاسایی. تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۱.  
برونر فسکی، جیکب، سنت روشنفکری در غرب از لئوناردو تا هگل، ترجمه لیلا سازگار. تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۸۳.

لین، تونی، تاریخ تفکر مسیحی، ترجمه روبرت آسریان. تهران: نشر فرزانه روز، ۱۳۸۰.  
مگ‌گراث، آلیستر، درسنامه الهیات مسیحی، ترجمه بهروز حدادی. قم: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴.

\_\_\_\_\_، مقدمه‌ای بر تفکر نهضت اصلاح دینی، قم: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۲.

براون، رابرت مک‌آفی، روح آیین پروتستان، ترجمه فریبرز مجیدی. تهران: مؤسسه نگاه معاصر، ۱۳۸۲.